

فاطمه رئیسی^۱، احسان قربانی^۲ ، محمد قانع، فاطمه معدنی

۱. دانشجوی دکتری مهندسی نساجی دانشگاه صنعتی اصفهان(f.reisi@tx.iut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری مهندسی نساجی دانشگاه صنعتی اصفهان(ehsantextile84@yahoo.com)

آینده پژوهی و چالش‌های صنعت نساجی

چکیده

انديشيدن به آینده و تلاش برای اثرگذاری بر رویدادهای در حال شکل‌گیری، مقوله‌ی تازه‌ای نیست و به دسته‌ای خاص و یا نگرشی ویژه اختصاص ندارد، بلکه پدیده‌ای جهان‌شمول و فراگیر است که می‌توان خاستگاه و ریشه‌ی آن را همپای دیرینگی بشر بر کره‌ی خاک دانست. آینده پژوهی به معنای نگاه به جلو، مهارتی قابل یادگیری است و تقریباً بیش از هر مهارت دیگری می‌تواند برای ما مفید باشد. آینده پژوهی ما را قادر می‌سازد خطرها و فرصت هایی را که در آینده با آن مواجه خواهیم شد، پیش بینی کنیم و به ما فرصت می‌دهد پیش از آن که به دردسر بیافتیم، تصمیم بگیریم و چاره ای بیاندیشیم . در این مقاله سعی بر آن بوده تا ضمن اشار ه‌ای مختصر به اهمیت آینده‌پژوهی و تأثیر آن در برنامه‌ریزی درازمدت برای سازمان‌ها و صنایع، اثر آن در بهبود چالش‌های صنعت نساجی و ارایه راه‌کارهایی برای رفع این مشکلات بررسی گردد.

واژه‌های کلیدی: آینده‌پژوهی، چالش‌های صنعت نساجی،چشم انداز صنعت نساجی

۱- مقدمه

از زمان هبوط انسان بر زمین، انسان همیشه براساس اشتیاقی درونی و از طرفی به دلیل برخی نیازها، علاقمند به این بوده است که آینده خود را بشناسد و بر همین مبنا بوده که سیر در احوال کواکب و ثوابت و رمل و اسطراب و روش های مختلف پیش گویی، همیشه مورد توجه انسان بوده و حتی در عصر مدرن امروزی هم کم و بیش این روال جریان دارد. گرچه باید به این موضوع هم توجه کرد که بسیاری از پیش گویی های قبلی یا حداقل برخی از آنها زمینه های علی نیز داشتند یعنی با کشف برخی روندها و زمینه های علی رخدادها و حوادث، سعی میکردند آینده را کشف و یا در واقع پیش بینی نمایند.

آینده امری است که مردم می‌توانند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهند. مردم برای آنکه عاقلانه عمل کنند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود ،دیگران و واکنشهای آنان و همچنین نسبت به نیروهایی که خارج از کنترل آنهاست، آگاهی و شناخت کافی داشته باشند. این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می‌دهند.به این ترتیب، افراد نه تنها می‌کوشند امور در حال وقوع را بفهمند ،بلکه میکوشند اموری را که شاید اتفاق بیفتند،یا بالقوه امکان وقوع دارد یا تحت شرایط خاصی در "آینده"اتفاق خواهد افتاد،نیز بشناسد. افراد با استفاده از این شناخت حدسی موقعیت کنونی خود را تشخیص داده ،کارهایشان را دنبال کرده ، از بستر زمان و فضای مادی و اجتماعی می گذرند.

در تحقیقات اجتماعی رشته جدیدی پدید آمده که هدفش مطالعه منظم و نظامدار آینده است. این رشته به نامهای مختلفی همچون "مطالعات آینده"،"قلمرو آینده"،"تحقیقات درباره آینده"،"آینده پژوهی"،"با حتی "پیش گویی" نامیده می‌شود و متخصصان آن نیز "آینده پژوه"نامیده می‌-شوند.

۲- جایگاه و اهداف آینده‌پژوهی

آینده پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که بااستفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقیعت «فردا» تولد می‌یابد. آینده‌پژوهی، در حقیقت تصمیم‌گیری مربوط به آینده در زمان حال است. وندل بل اهداف آینده‌پژوهی را نه هدف عمده دانسته است:

بررسی آینده‌های ممکن؛ بررسی آینده‌های محتمل؛ بررسی تصویرهای آینده؛ بررسی بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی؛ بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی؛ تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال؛ تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی؛ افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن؛ ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن (وندل بل، ۱۹۹۷).

به طور کلی برای مطالعه در مورد آینده، اهداف مختلفی ذکر کرده‌اند که برخی از آنها به طور خلاصه عبارتند از:

- ✓ تهیه و تنظیم قواعدی برای تحولاتی که در آینده اتفاق می‌افتد و بر اساس آینده‌شناسی قابل پیش بینی هستند.
- ✓ شناخت و درک صحیح از مسایل نوظهور و جدید و نحوه برخورد و یا مقابله با آنها.
- ✓ انجام برنامه‌ریزی بلند مدت و کوتاه مدت و پیشگیری از نتایج زیان بار رویدادهای پیش بینی نشده
- ✓ پرهیز از گام نهادن در محیط پرخطر و ناشناخته آینده.
- ✓ پذیرش و درک اهمیت ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت گذشته و حال در خلق و ایجاد آینده در جهان برتر.
- ✓ پدید آوردن نگرشی سیستماتیک و منظم و منطقی به تحولات آتی که در زندگی انسان‌ها اثر مستقیم دارد.

(عیوضی، ۱۳۸۸ ؛ به نقل از

Slaughter, R. New Thiking for a New Millennium. (1996)

بخش اعظم آینده‌پژوهی، بر گمانه‌زنی استوار است و از این جهت آینده‌پژوهی می‌تواند علم به شمار می‌آید. علم، گرچه به اقتضای رسالت خود، در جست‌وجوی حقیقت است اما در روش‌ها و ساختارهای منطقی آن، پدیده‌های مشروط، خلاف واقع یا جهت‌دار، تأملات نظری، صورت‌بندی خلاقانهٔ فرضیه‌ها و پیش‌بینی نیز یافت می‌شود. بنابراین از دیدگاه معرفت‌شناسی، میان بسیاری از گزاره‌های علمی و بسیاری از گزاره‌های مطرح شده از سوی آینده‌پژوهان دربارهٔ آینده تفاوتی وجود ندارد. گزاره‌های علمی نیز نوعی گمانه‌زنی هستند.



سومین همایش ملی آینده‌پژوهی

۳- مروری بر نارسایی‌های صنعت نساجی ایران

براساس آمار ارائه شده از سوی دفتر برنامه ریزی وزارت صنایع و معادن طی تحقیقاتی که گروه پژوهشی تکنولوژی نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر انجام داده است، ایران در سال ۱۳۸۷ بیش از ۲/۲۷ میلیون متر مربع به پارچه از نوع فاستونی نیاز داشته است.

صنعت نساجی کشور و بخصوص تولیدکنندگان فعال پارچه فاستونی چیزی نزدیک به یک سوم این نیاز را با توجه به سطح فناوری و امکانات تولیدی می‌توانند تامین کنند .باقی این محصول از چه طریق در کشور تامین شده است؟ تولید کننده داخلی که چنین قدرتی نداشته و آمار موجود هم که بیان کننده این سطح تولید نیست. پاسخ این چند پرسش ذهن را به سمت یک معضل نه تنها تازه بلکه کهنه و کلیشه ای رهنمون می‌کند و آن معضل واردات از طریق مبادی غیر قانونی یا قاچاق است .واردات محصولات نساجی به عنوان یک معضل همیشگی مهم‌ترین مانع پیش روی محصولات داخلی بوده و هست.

تضعیف پوشاک دوزان و توسعه نیافتن این صنعت

طبق تحقیق صورت گرفته با توجه به رفتار مصرف کننده ایرانی در زمینه مصرف پوشاک که پوشاک آماده و دوخته شده را به خرید پارچه و سفارش برای دوخت ترجیح می‌دهد، بیش از ۸۰درصد مصرف پارچه به تولید کنندگان صنعتی و نیمه صنعتی کشور اختصاص دارد و در واقع مشتری اصلی تولید کنندگان پارچه محسوب می‌شوند. اما بررسی ها در بازار پوشاک که توسط عموم مردم نیز قابل لمس است حکایت از آن دارد که سهم عظیمی از بازار پوشاک کشور در سلطه محصولات چینی، ترک و کره ای است که به دلیل قیمت پایین و تنوع در طرح و رنگ علی رغم پایین بودن کیفیت بیشتر این محصولات نسبت به محصولات مشابه ایرانی نظر مصرف کننده را به خود جلب و به دلیل بالا بودن حاشیه سود، فروشنده ایرانی را ترغیب به واردات کرده است.

قاچاق بی رویه پوشاک، عدم برخورداری از مدیریت علمی و صنعتی در صنعت پوشاک، مستقل نبودن در طراحی و ارائه مد و بالا بودن قیمت تمام شده پوشاک در کشور را می‌توان از علل تضعیف صنعت پوشاک و توسعه نیافتن آن دانست و باتوجه به وابستگی شدید ۲صنعت تولید پوشاک و پارچه به یکدیگر، عدم رشد و توسعه و مشکلات و چالش های هر یک از آنها موجبات تضعیف، رکود و نابسامانی اجزای به هم پیوسته دیگر را فراهم خواهد آورد.

نگرش منفی مردم نسبت به کیفیت محصولات ایرانی

این چالش همان ضرب المثل معروف مرغ همسایه غاز است را به ذهن متبادر می‌کند و جنبه فرهنگی آن هم قابل توجه است. نیاز به ریشه یابی فرهنگ در این حوزه راه حل اساسی برای یافتن دلایل رفتار شهروندان ایرانی است، تا بتوان با تدوین راهکاری مناسب، این معضل فرهنگی را به طور ریشه ای از پیش روی صنعت و بازار محصولات ایرانی برداشته و همانند ژاپن و کره جنوبی حتی یک نگاه متعصبانه نسبت به محصول داخلی را در شهروندان ایرانی به وجود آورد.

متأسفانه ما در ایران مجموعه های فرهنگی و هنری که بتوانند به صورت علمی و پژوهشی رفتار مصرف کننده را مورد ارزیابی قرار داده و با توجه به فرهنگ و تمدن کشور اقدام به طراحی و ترویج مد های ایرانی کنند نداشته و باید بپذیریم که در این زمینه مقلد طراحان و مروجان مد دیگر کشورها بخصوص اروپا و آمریکا هستیم و تولید کنندگان ایرانی نیز چون هیچ اقدامی برای به کارگیری طراحان پارچه و لباس و سرمایه گذاری روی موضوع طراحی مد نمی‌کنند، این پیروی از طرح های خارجی خود دلیلی بر نگرش منفی مردم نسبت به محصول ایرانی و اعتماد به محصولات خارجی بوده است .

مدیریت سنتی

مدیریت سنتی نیز درد مشترک بیشتر صنایع کشور بخصوص صنایعی است که هویتی مدیر مالکی دارند و مالک و سرمایه گذار خود مجموعه شان را بدون داشتن دانش و مهارت های مدیریتی و به شیوه ای سنتی مدیریت می‌کنند. درحالی که در خارج از کشور این کار را مدیرانی تحصیلکرده و با گذراندن دوره های عالی مدیریتی و با داشتن چندین مشاور در حوزه های مشتری مداری و بازاریابی و کیفیت هدایت می‌کنند. متأسفانه شرکت ها و سازمان ها در کشور ما بر اساس نیاز و خواسته مشتری و اصول مشتری مداری مدیریت نمی‌شوند و این یکی از بزرگ ترین ضعف های صنعت کشور محسوب می‌شود که بیانگر نداشتن دانش مدیریتی در مدیران است.

فرسودگی فناوری این صنعت و افزایش هزینه ها

این چالش در واقع دایره نقاط ضعف این صنعت را تکمیل می‌کند و با توجه به آن که فناوری صنایع نساجی ۱۰۰درصد وارداتی و قیمت دستگاه ها و ماشین آلات هم بالاست و در حال حاضر نمونه های ایرانی آن نیز وجود ندارد، منجر به تضعیف هر چه بیشتر این صنعت و افزایش هزینه

استهلاک، نگهداری و تعمیرات آن می‌شود.

۴- راهکارهای پیشنهادی برای حل مشکلات صنعت نساجی ایران

مهمترین راهکارها و رهیافت های لازم برای حل مسائل و مشکلات مبتلا به صنایع نساجی به شرح زیر برای تصمیم گیری در کمیسیون ها و کمیته های ذیربط پیشنهاد می‌شود:

- استمهال بدهی های بانکی، مالیاتی، بیمه و بخشش جرایم ناشی از تاخیر در انجام تعهدات
- تدوین استراتژی صنعت نساجی در کمیته بحران وزارت صنایع و معادن و تسهیل زمینه های لازم برای سرمایه گذاری بخش خصوصی
- تعدیل نیروی انسانی مازاد و بهبود آموزش مستمر و مرتبط با کار و ایجاد رابطه مناسب با مراکز علمی و دانشگاهی و به کارگیری نیروهای متخصص و کارآمد
- تسهیل تهیه مواد اولیه مرغوب به منظور تولید محصولات با کیفیت مطلوب از طریق حذف تعرفه های گمرکی بر سر راه واردات مواد خام و پنبه و ...
- جایگزین کردن ماشین آلات پیشرفته و مدرن به جای ماشین آلات فرسوده و تطابق این صنعت با استانداردهای بین المللی و تکیه بر دانش روز دنیا به منظور تحقق هدف کاهش هزینه ها
- تعامل هرچه بیشتر اتاق های بازرگانی و NGO های نساجی در جهت ارائه اطلاعات مفید برای تولید و صادرات
- جلوگیری از ورود بی رویه منسوجات قاچاق و واردات پارچه (اعم از رسمی، شناسنامه ای، همراه مسافر حداقل به مدت ۵ تا ۱۰ سال)
- بالا بردن هزینه واردات محصولات نهایی نساجی از طریق افزایش چند برابری تعرفه واردات پارچه و منسوجات
- کنترل و نظارت صحیح بر تولید محصولات از نظر رعایت کیفیت در سه سطح مواد اولیه، فرایند تولید و محصول نهایی
- استفاده هرچه موثرتر از سیستم های علمی بازاریابی و فروش و بهره گیری مناسب از روش های مدرن تبلیغات
- حمایت و استفاده از تاکتیک تولید تحت برندهای معتبر خارجی
- افزایش جوایز صادراتی برای واحدهای صنایع نساجی
- اعطای تسهیلات بانکی برای تهیه مواد اولیه و خام
- استفاده از منابع صندوق ذخیره ارزی، نوسازی صنایع نساجی (این امر منوط به انتصاب مدیر مطلع، لایق، متخصص، کارآمد)

در خصوص راهکارهای پیشنهادی باید به این نکته توجه داشت که تزریق تسهیلات به واحدهای بحرانی، بدون توجه به همه جوانب (و راهکارهای پیشنهادی) نه تنها کمکی به این واحدها نمی‌کند بلکه آنها را با بحران مضاعفی روبرو می‌سازد، ضمن اینکه سیستم بانکی کشور این صنعت را به عنوان یک صنعت از پا افتاده می‌داند که قادر به بازپرداخت تعهدات خود نیست .بنابراین راهکارهای پیشنهادی و مهمتر از همه نظرات راهبردی متخصصین امر می‌بایست همزمان مورد عمل قرار گیرد تا بتوان مشکل این صنعت را به طور کلی و برای همیشه حل و فصل نمود.

۵- نتیجه گیری

ما نیازمند این هستیم که هم از تجربه و دانایی و هم از اشتباهات کسانی که با سوالات و موضوعات آینده ی متناوب در تاریخ دست به گریبان بوده اند، یاد بگیریم نه اینکه خطاهای گذشتگان را تکرار کنیم .سازمان های حرفه ای نیازمند ترویج دوراندیشی اند تا بتوانند از عهده ی تغییراتی که مدرنیته ایجاد میکند برآیند وبه اهداف خود دست یابند در نتیجه ، مشکلات سازمان ها، ساختارها و ارتباطاتی که ما طرح ریزی کرده ایم، باید به دقت در آینده پژوهی در نظر گرفته شوند .مطالعه آینده پژوهی در سازمانها و صنایع همچون صنعت نساجی که با چالشهایی از قبیل: عدم تدوین و تصویب استراتژی توسعه صنعتی و نامشخص بودن جایگاه بخش های مختلف صنعتی، فقدان زیرساخت قوی و منسجم آماری و اطلاعاتی در کشور، برای روشن ساختن مسیر آینده و پشتیبانی از اتخاذ تصمیمات صحیح و اصولی، سیاست‌های پولی و بانکی، بروز تنش‌ها در سیاست خارجی، وجود قوانین و مقررات ناکارآمد برای تولید صنعتی و مشکل رقابت‌پذیری صنعت روبرو است، برنامه ریزی و تصمیم گیری را تسهیل می‌کند و بقای صنایع نساجی را به دنبال خواهد داشت .